سیدعلی عمادی

احکام فقهی معماری

الإعلان بِاَحکام البُنیان

کتاب

از روزگار پیش از دوران جدید کمتر کتابی دربارهٔ معماری به دست ما رسیده است. اطلاعات مربوط به معماری در کتابهای دیگر نیز بیشتر توصیفی و کمتر تحلیلی و محتوایی است؛ و کتابهایی که در آنها به جنبه‌های فقهی معماری و بنا و تبیین و تشریح احکام فقه اسلامی در خصوص هنر معماری و فن ساختمان و همچنین انطباق این احکام با مسائل و امور مربوط به ساختمان پرداخته باشند بسیار نادر است. کتابی که در این صفحات درصدد معرفی اجمالی آنیم، از جملهٔ اسناد و متون معتبر قرن هشتم هجری در این زمینه است.

کتاب الإعلان *بِاَحکام البُنیان* از مصادر مهم فقهی در باب معماری و مسائل مربوط به آن است. نویسندهٔ کتاب، ابوعبدالله محمد بن ابراهیم لخمی بنّاء، معروف به ابن رامی یا محمد بنّاء، خود هم فقیه بوده است و هم معمار. ابن رامی در نیمهٔ دوم قرن هفتم هجری در شهر تونس دیده به جهان گشود و در آن دیار رشد کرد و تا اواخر نیمهٔ اول قرن هشتم هجری در آنجا می‌زیست. در طی این مدت، برای قضاوت در امور ساختمان و معماری بارها به شهرهای دیگر در بلاد مغرب مسافرت کرد.

ابن رامی مالکی‌مذهب است. به همین سبب، احکام معماری را بر وفق اصول فقه مالکی، که مذهب رسمی و شایع در بلاد مغرب بود، استخراج کرده و برای این منظور، از آراء و فتاوا و احکام مورد تأیید قضات و شیوخ معاصر خویش در اندلس و بلاد مغرب نیز بهره گرفته است.

ابن رامی در *الاعلان باحکام البنیان*، چنان که از عنوانش پیداست، پاره‌ای از احکام مربوط به معماری را بیان و آنها را بر وفق ترتیبی خاص در قالب ابواب متعددی دسته‌بندی کرده است. این دسته‌بندی گاه از حیث جزئیات و تقسیمات و صورتْ کامل است و گاهی دچار پراکندگی موضوعات و مطالب. دکتر محمد عبدالستار عثمان، مصحح کتاب، بر اساس تحقیق دربارهٔ این اثر، موضوعات و مباحث آن را مطابق با سبک آموزشی خود در قالب دسته‌بندی‌ای جدید همراه با اضافاتی تنظیم کرده و در طبع خود از کتاب آورده است. این طبع، که در واقع بازنویسی و تدوین مجدد کتاب به شیوه‌ای امروزی است، شامل یک مقدمه و پنج فصل و یک خاتمه، در ۳۲۴ صفحه، است. در انتهای کتاب، پس از اتمام قسمتهای

ابوعبدالله محمد بن ابراهیم لخمی بنّاء، *الاعلان باحکام البنیان*، تصحیح و تعلیق محمد عبدالستار عثمان، اسکندریه، دارالمعرفة الجامعیة، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.

نام‌برده، بخشی مربوط به معرفی منابع عربی و غیرعربی آمده است. کتاب پیوستی هم، شامل نمودارها و نقشه‌ها و تصاویر، دارد.

مصحح در مقدمهٔ کتاب، در اهمیت و جایگاه منابع و آثار مربوط به فقه معماری سخن گفته و میان دو اصطلاح معماری اسلامی و معماری مسلمانان فرق گذاشته است. به نظر او، بهتر است آنچه را امروز «معماری اسلامی معاصر» می‌خوانیم «معماری مسلمانان» بشماریم؛ چرا که به دست مسلمانان ساخته شده است. اما اگر زمانی احکام و اصول و مبانی فقهی اسلامی در معماری دخالت داده شد و ساختمان بر اساس این اصول طراحی و ساخته شد، آن معماری شایستگی خواهد یافت که به صفت «اسلامی» متّصف گردد.

دکتر عثمان در ادامهٔ مقدمه به معرفی اجمالی مؤلف، یعنی ابن رامی، پرداخته و در پایان نیز فصول پنجگانهٔ کتاب را معرفی کرده است. او دربارهٔ ابن رامی چنین می‌گوید:

> اهمیت کتاب *الاعلان* از آنجا روشن می‌شود که مؤلف آن به حرفهٔ بنایی اشتغال داشته و خود در اثنای کتاب به این موضوع اشاره کرده و گفته است که به عنوان بنّا استخدام شده است. این بدین معناست که ما با مؤلفی مواجهیم که در عرصهٔ عملی معماری مخاطب خود را از نوعی آگاهی ارزنده بهره‌مند می‌سازد؛ و در واقع، علم نظری فقه از یک سو و خبرگی و تخصص عملی از سوی دیگر در وجود او جمع شده است [...]. ابن رامی علاوه بر شخصیت فنی دقیق و تخصص حرفه‌ای وسیع، جایگاه و منزلت علمی ارزنده‌ای دارد که آن را از محضر اساتید و بزرگان و فقیهان و قاضیان و دیگر افرادی کسب کرده که با ایشان همکاری داشته است. این خبرگی و منزلت به او اهلیتی بخشیده بود که قاضیان زمان او را در قضایای مربوط به بنا خبیر و آگاه می‌دانستند و در زمرهٔ صاحب‌نظران به شمار می‌آوردند و برای اظهار نظر و صدور رأی در بسیاری از امور مربوط به معماری بناها پی او می‌فرستادند و از او نظر می‌خواستند؛ و در بسیاری از مواقع که نیاز به خبرگی و تخصص در امور معماری بود، کار را به او تفویض می‌کردند [...]. و اینجاست که کتاب *الاعلان باحکام البنیان* شخصیت مسلمانی حرفه‌ای و ماهر را که عمل او بر مبنای علم و دانش دقیق و ریشه‌ای استوار گردیده است بر ما روشن می‌کند.[1]

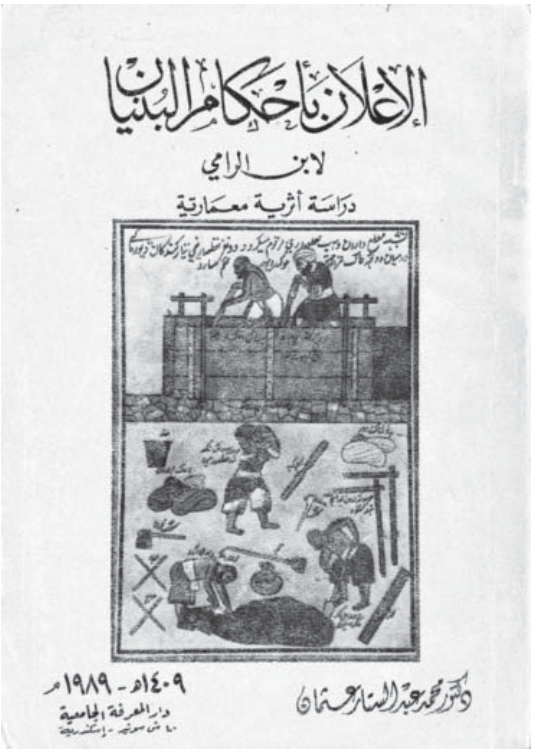

دکتر عثمان فصل اول کتاب را، در ۱۰ صفحه، به بحث و مطالعه در باب صورتهای مختلف دیوار اختصاص داده است. فصل دوم کتاب در ۴۱ صفحه، در باب احکام مربوط به ضررهای وارد بر ساختمان است. این احکام خود بر دو قسم است: قسم اول، ضررهای حاصل از دود و بوهای نامطبوع و همچنین صداهای آزارنده؛ قسم دوم، ضررهای حاصل از گشودگی و اشراف و باز بودن بخشهای مختلف بنا و آثاری که این امر در شکل‌گیری بنا و طراحی معماری اسلامی برجای می‌گذارد.

فصل سوم کتاب، ۲۴ صفحه، دربارهٔ احکام مربوط به راهها و معابر و اثر این احکام در طراحی ساختمانهای مشرف بر معابر و همچنین درها و بازشوها و ورودیهای بناهاست. فصل چهارم، در ۱۳ صفحه، بررسی احکام فقهی متعلق به طراحی معماری خانه‌ها و فضاهای خدماتی آنها بر وفق فرهنگ اسلامی است.

چشم‌گیرترین فصل کتاب فصل پنجم آن، در ۸۹ صفحه، از حیث حجم به‌تنهایی معادل چهار فصل پیشین است. این فصل واژه‌نامهٔ کوچکی است که دکتر عثمان از مجموعهٔ لغات و الفاظ و اصطلاحات و مفردات معماری به‌کاررفته در کتاب ابن رامی ترتیب داده و به تبیین دقیق آنها پرداخته است.

در فصل اول کتاب، که به بررسی صورتهای مختلف دیوار اختصاص دارد، مؤلف در حالات گوناگون دیوارهای بناها از حیث شکل و اجزا و همچنین ارتباط آنها با سقف طبقات تدقیق کرده و بر اساس آن، نسبت شراکت در مالکیت دیوار را میان همسایگانی که در آن دیوار مشترک‌اند بر مبنای احکام فقهی و روایات منقول از پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلّم، بیان کرده است. تصاویری که در پیوست کتاب آمده است به فهم مطالب بیان‌شده در این فصل کمک بسیاری می‌کند.

فصل دوم، در ضررهای مرتبط با بنا و احکام آنها، دارای این ابواب است:

۱. احکام مربوط به ضررهای دود زیان‌آور و بوی نامطبوع و آزارنده

۲. احکام مربوط به باز کردن و ایجاد اشراف

۲ـ ۱. درها و ضرر باز کردن آنها

۲ـ ۱ـ ۱. درهایی که در معابر غیر بن‌بست باز می‌شود

۲ـ ۱ـ ۲. درهایی که در معابر بن‌بست باز می‌شود

۲ـ ۲. دکانها و ضرر باز کردن و اشراف آنها

۲ـ ۳. سراهای درون باغها و اشراف آنها

۲ـ ۴. تأثیر احکام مربوط به باز کردن و اشراف، بر طراحی معماری بناهای اسلامی

۲ـ ۵. باز کردن روزنها و بازشوها و تأثیر آن بر طراحی بناها

۲ـ ۶. باز کردن و اشراف دکانها و تأثیر آن بر معماری اسلامی

۲ـ ۷. احکام مربوط به باز کردن و اشراف و نسبت آن با طراحی داخلی در خانه‌ها

فصل سوم، در احکام مربوط به راهها و معابر، این بابهاست:

۱. بیرون‌زدگیها یا پیش‌آمدگیها و حالات مختلف تجاوز بنا به معابر

۲. ایجاد راههای جدید برای جلب منافع عمومی

۳. اصلاح و بهسازی مسیر و معبر

۴. برگرداندن و جابجایی مسیر از مکانی به مکان دیگر

۵. محدودیت ایجاد وسعت در راهها و معابر اختصاصی

۶. عبور کردن از میان خانه‌ها

۷. عبور کردن از میان زمین دیگران

۸. ساختن در برای کوچه‌ها و دیوارکشی برای خانه‌ها

۹. احکام و قوانین مربوط به قناتها

فصل چهارم، در احکام فقهی مرتبط با طراحی معماری خانه‌ها، دارای این بابهاست:

۱. قرارداد برای حفر چاه و ساختن بنا

۲. روابط موجر و مستأجر

۳. روابط ساکنان طبقهٔ پایین وساکنان طبقهٔ بالا

۴. روابط خانه‌ها با یکدیگر

۵. تقسیم‌بندی خانه‌ها و صورتهای معماری آنها.

۶. عیوب و نقایص خانه‌ها

چنان‌که گفتیم، فصل پنجم کتاب به تبیین و توضیح واژگان ــ حدود ۱۷۰ واژه و اصطلاح معماری ــ اختصاص دارد. عثمان برای تفسیر این اصطلاحات به منابع لغوی و تاریخی موجود و نیز منابعی متکی بوده که در زمینهٔ آثار تاریخی تألیف شده است؛ و چنان‌که خود می‌گوید، در منابعی از مغرب اسلامی و اندلس به تعدادی از این اصطلاحات برخورده است؛ به‌ویژه اصطلاحاتی که آنها را در دیگر منابع نیافته است. از آنجا که ابن رامی نیز به مغرب اسلامی تعلق دارد، می‌توان در تعریف این اصطلاحات به این منابع اعتماد کرد.

اکنون ترجمهٔ قسمتهای کوتاهی از متن کتاب را نمونه می‌آوریم:

در فصل مربوط به ضررهای مربوط به بنا چنین آمده است:

> فقیهان صدا و حرکت ناشی از فعل بعضی از صنعتگران را نوعی از ضرر شمرده‌اند؛ چرا که صدا آرامش ساکنان را بر هم می‌زند و حرکت نیز بر دیوارها اثر بد می‌گذارد؛ مثلاً کتّاد، یعنی آن کس که جامه را با ضربه زدن بر آن کوتاه می‌کند، هنگامی که مشغول به کار می‌شود، صدایی آزارنده پدید می‌آورد. لذا آراء فقیهان دربارهٔ این ضرر مختلف است. برخی از ایشان، مانند شیوخ طلیطله، آن را منع کرده و فتوا داده‌اند که اگر تعدادی از همسایگان از ضربه‌های کتّادان زیان ببینند و آرامششان مختل شود، ایجاد چنین مکانی در جوار خانه‌ها جایز نیست. برخی دیگر از فقیهان با این رأی مخالف‌اند و گفته‌اند که صاحب خانه مجاز است که هر صنعتی را بخواهد در خانهٔ خود بر پا دارد؛ مشروط بر اینکه به دیوارهای همسایه‌اش آسیب نرساند.[۲]

در فصل مربوط به ضررهای حاصل از باز کردن و ایجاد اشراف این‌گونه می‌خوانیم:

و از اشکال مختلف روزنها و بازشوها که فقیهان از حیث احکام متعرض آن شده‌اند روزنی است که چنان ایجاد شده باشد که صاحبش بتواند از آنجا راهرو میان مدخل خانه و حیاط خانهٔ همسایه‌اش را مشاهده کند. بنا بر این، هر کس در اتاق خانه‌اش روزن و پنجره‌ای بسازد که بر آن بخش از خانهٔ همسایه که ذکر شد یا یکی از اتاقهای او مشرف باشد، از آن کار منع خواهد شد و حکم به مسدود کردن آن روزن داده خواهد شد. مسدود کردن در اینجا به معنای درآوردن چارچوب آن خواهد بود؛ زیرا اگر این چارچوب در موضع خود بماند و تنها درِ آن بسته شود و زمان بسیاری بگذرد، این خود حجتی برای ایجادکننده خواهد بود تا هر وقت که خواست آن را باز کند و بگشاید. و اما بعضی از فقیهان به احداث بازشو کوچکی به جای این روزن حکم کرده‌اند، چنان که صاحبش نتواند سر خود را از آن بیرون آورد. البته بعضی از مشایخ این نظر را پذیرفته‌اند و دسته‌ای دیگر آن را مردود دانسته‌اند؛ که مؤلف کتاب، یعنی ابن رامی، در زمرهٔ فرقهٔ اخیر است. ابن رامی معتقد است که احداث این بازشو کوچک از امور خطایی است که ضرر آن بیشتر از بقیهٔ روزن است؛ زیرا در این حالت می‌توان از داخل این روزن همسایه را مشاهده کرده و بر او اشراف داشت، بی‌آنکه او بتواند ناظر را ببیند؛ در حالی که در صورت نخست، به‌سبب خارج شدن سر ناظر، همسایه می‌تواند خود را محفوظ بدارد و از جلو روزن دور شود تا در منظر قرار نداشته باشد. سپس ابن رامی این مطلب را ذکر می‌کند که در زمان و در وطن او، عادت بر این بوده است که حتی‌الامکان از ایجاد روزن اجتناب شود مگر آن که به واسطهٔ احداث آن ضرری از همسایه مرتفع شود.[۳] □

پی‌نوشتها:

۱. ابن رامی، *الاعلان باحکام البنیان*، ص ۸.
۲. همان، ص ۳۳.
۳. همان، ص ۴۱.